روزنامه مستقل

www.mostaghelnewspaper.ir
@mostaghelnewspaper

ایمیل: mostagheldaily@gmail.com
تلفن: ۲۲۷۶۴۷۹۶ نمابر: ۲۶۶۵۰۸۸۳
نشانی: اختیاریه جنوبی، رازقی شمیرانی، کوچه رز، پلاک ۲۱
سازمان شهرستانها: ۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷ - ۶۹ - ۶۶۵۶۷۷۶۷

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: فریبا عباسی
سردبیر: علی نظری
معاون اجرایی: امیررضا نظری
دبیر سرویس سیاسی: امیر مقدور مشهود
دبیر سرویس فرهنگ‌وهنر: الهام رئیسی
دبیر سرویس اجتماعی : شهلا منصوریه
دبیر سرویس گوناگون: آرش وکیلی
دبیر سرویس اقتصادی: سعید قلیچی
دبیر سرویس بین‌الملل: نفیسه الله‌دادی
گرافیک و صفحه آرایی: حمید کریمی-عاطفه مجیدی
ویراستار: پریا فردوس

در آستان دوست

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت
از اهل بهشت کردیا دوزخ زشت
جامی‌و بتی و بربطی بر لب کشت
این هر سه مرا نقد و ترا نسیه بهشت

سعدی

بورس	انس طلا	مثقال طلا	طلا ۱۸	سکه	دلار	یورو	نفت سبک	نفت برنت
۷۸,۶۵۲.۷	۱,۲۵۷.۶۰	۴,۹۹۸,۵۰۰	۱,۱۵۳,۹۸۰	۱۲,۱۲۶,۵۰۰	۳۷,۵۷۰	۴۲,۷۹۰	۴۳.۱۸	۴۵.۶۸
(۰.۱۱%) ۸۳.۵	(۰.۰۵%) ۰.۶۰	(۰.۷۲%) ۳۵۵۰۰	(۰.۷۱%) ۸,۱۹۰	(۰.۰۸%) ۹,۵۰۰	(۰.۳۵%) ۱۳۰	(۰%) ۰	(۰.۴%) ۰.۱۷	(۰.۲۴%) ۰.۱۱

گذر و نظر

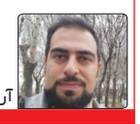

عیدانه...

آرش وکیلی – روزنامه نگار

پیشاپیش عید سعید فطر را خدمت همه شما خوانندگان عزیز تبریک عرض می‌کنم؛ امروز قصد دارم چند نمونه از اشعار ارزشمندی را که در انبوه پیام‌های مجازی مدت‌هاست فراموش‌شده‌اند را اینجا برایتان نقل کنم تا در این خلال بگویم: حضور رمضان و عید فطر در شعر کهن فارسی، بسیار چشمگیر و متنوع است. شاعران از منظرهای گوناگون به این موضوع نگریسته‌اند و هر یک فراخور طبع و طبیعت خویش، از آن سخن گفته‌اند و به‌راستی بهترین «رمضانیه»ها و «عیدانه»ها ی شعر فارسی را در آثار مولانا جلال‌الدین می‌توان یافت و در این دیدگاه معنویت‌گرا، ما کسی را بالاتر از او سراغ نداریم.

عید آمد و عید آمد و آن بخت سعید آمد
برگیر و دهل می‌زن، کان ماه پدید آمد

یا در جای دیگر می‌گوید:

بگذشت مه روزه، عید آمد و عید آمد
بگذشت شب هجران، معشوق پدید آمد
آن صبح چو صادق شد، عذرای تو وامق شد
معشوق تو عاشق شد، شیخ تو مرید آمد

بیدل دهلوی عاشقانه‌هایش را با رمضان مشابه می‌گیرد و دیدار معشوق را همچون عید فطر می‌داند که اگر میسر نگردد همچنان خودداری و امتناع رمضان در وجودش ادامه‌خواهد داشت.

عید آمد و هر کس پی کار خویش است
می‌نازد اگر غنی و گر درویش است
من بی‌تو به حال خود نظرها کردم
دیدم که هنوزم رمضان در پیش است
(بیدل دهلوی)

چنین تعبیرات عاشقانه‌ای از گذشته‌های دور در ادبیات ایران‌زمین رواج داشته و زیباترین مصداقش را در شعر سعدی می‌توانیافت:

هرکه را خاطر به روی دوست رغبت می‌کند
بس پریشانی بباید بردنش چون موی دوست
دیگران را عید اگر فرداست ما را از این دمست
روزه‌داران ماه نو بینند و ما ابروی دوست
(سعدی)

منوچهری سیستانی هم چنان رندانه از روزگی شکوه کرده و با توصیفات زیبایش خوشحالی‌اش را از رفتن رمضان ابراز می‌دارد که خواننده را نمی‌آزارد:

روزه از خیمه‌ی ما دوش همی‌شد به‌شتاب
عید فرخنده فراز آمد، با جام شراب
چه توان کرد اگر روزه ز ما روی بتافت؟
نتوان گفت مر او را که ز ما روی متاب
چه شود گر برود؟ گو برو و نیک خرام
رفتن او برهاند همگان را ز عذاب
(منوچهری‌سیستانی)

روزه و رمضان و بعدازآن عید فطر در ادبیات فارسی، همیشه حضورداشته‌اند و شمارش آن‌ها در این ستون نمی‌گنجد اما این حضور همیشه با قداست همراه نبوده بلکه احترامی‌تجلیل‌آمیز و گاهی همراه با طنزی مطایبه آمیز در ادبیات غنایی ما آورده شده است.

برگی از تاریخ

رسیدن خبر قتل ابومسلم به خراسان

۷۵۵ م: ۲۰ روزطول کشید تا خبر قتل ابومسلم خراسانی از بغداد به توس (خراسان) برسد و خشم خراسانی‌ها را باعث آید [منظور خراسان بزرگتر است که اینک بیشتر اراضی آن در افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان واقع شده اند]. ابومسلم خراسانی ۵ ژوئن سال ۷۵۵ میلادی در بین النهرین (عراق امروز) به تحریک منصور خلیفه عباسی ترور شده بود.

اخطار گستاخانه به دولت ضد مشروطه

۱۲۸۷ ش: در پی محاصره سفارت انگلستان در تهران برای جلوگیری از پناهنده شدن سیاستمداران مخالف محمدعلیشاه، اصحاب نشریات و ... به آنجا توسط نیروی قزاق به فرماندهی افسران روس، که از دوم تیر ماه سال ۱۲۸۷ (روز گلوله باران شدن مجلس با توپ) آغاز شده و ادامه یافته بود، سفارت انگلستان اخطار شدیدالحنی به دولت وقت ایران تسلیم کرد که مورخان درتالیفات خود آن را «گستاخانه» توصیف کرده‌اند.

تهدید جنگی از نوع انگلیسی

۱۳۳۰ ش:۱۳ دولت انگلستان چهارم تیرماه ۱۳۳۰ و چند روز پس از انجام خلع ید از آن دولت در صنایع نفت ایران، دستور انتقال اتباع و مهندسان خود را از آبادان به بصره صادر و ناو جنگی «موریسش» را روانه آب‌های ایران کرد که این اقدام، احساسات ملی ایرانیان را چنان برانگیخت که گروهی از خلبانان نیروی هوایی داوطلب حمله انتحاری (کامیکازی) به این ناو شدند. در همین روز به شناورهای نیروی دریایی فرمان آماده باش کامل داده شد، چند آتشبار ساحلی به خوزستان منتقل و برای تقویت روحیه مردم، واحدهای ارتش در تهران و شهرهای دیگر در خیابانها رژه رفتند و تجهیزات و آمادگی خود را نشان دادند و قرار شد که اگر تهدید جدی شود، ثبت نام از داوطلبان برای جنگ آغاز و سربازان احتیاط (منقضی خدمت) تا سه دوره به زیر پرچم احضار شوند.

استقبال تهرانی‌ها از مصدق

۱۳۳۱ ش: استقبال بی‌سابقه تهرانی‌ها از دکتر مصدق نخست وزیر وقت که اوایل تیرماه ۱۳۳۱ (جون ۱۹۵۲) از سفر اروپا به وطن بازگشته بود وی را مصمم ساخت که به اتکای این حمایت وسیع مردمی، در خارج ساختن امور از دست شاه و محدود کردن اختیارات او در حد یک رئیس تشریفاتی کشور (سلطنت – مشابه پادشاهان اروپایی) تسریع کند و از چهارم تیرماه (۲۴ جون ۱۹۵۲) دست به کار شد که مقاومت شاه را در پی داشت.

این کشمکش بود که در اواخر تیرماه، منجر به روی کار آمدن چند روزه قوام السلطنه و رویداد خونین سی‌ام تیر (جولای ۱۹۵۲) و شکست شاه و هوادارانش و تثبیت قدرت دکتر مصدق (مردم و دمکراسی) شد.

آغاز امپراطوری محمودی!

۱۳۸۴ ش: چهارم تیرماه ۱۳۸۴ نتایج دور دوم انتخابات ریاست جمهور ایران انتشار یافت و اعلام شد که محمود احمدی نژاد شهردار تهران با ۱۷ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۲۸۲ رای (۶۲ درصد کل آراء) برنده انتخابات شده است. کل آراء ریخته شده به صندوقها، ۲۷ میلیون و ۹۵۹ هزار اعلام شده بود. این نخستین انتخابات ریاست جمهوری در ایران بود که به دور دوم راه یافته بود.

عشق پانزده سالگی

علی ولی‌اللهی

اولین مرحله ارتباط مخاطب بایک اثر از طریق فضاسازی انجام می‌گیرد. فیلمی‌جنگی را تصور کنید که در آن نه خبری از بمب و خمپاره و هواپیماست، نه از زخمی و آتش و مسلسل و این چیزها. حالا بازیگران هی بگویند وای وای عجب جنگی! مگر کسی باور می‌کند؟ وجود المان‌های مربوط به یک موضوع و استفاده درست و به‌جا از آن‌ها باعث فضاسازی می‌شود. اتفاقی که موجب می‌شود مخاطب، چیزی را که داریم می‌گوییم، باور کند و در ادامه همان فضاسازی روی نحوه روایت و کنش‌های موجود در متن، تأثیرگذار خواهد بود. چیزی که جایش مخصوصاً در متون نوشتاری این روزهای ما بسیار خالی‌ست. با این مقدمه می‌خواهیم به سراغ ترانه «عشق پانزده سالگی» اثر مهدی ایوبی که به تازگی توسط رضایزدانی با آهنگسازی علیرضا افکاری و تنظیم سعید زمانی اجرا شده برویم.

ترانه عشق پانزده سالگی قرار است ببرد ما را به روزهایی سرشار از احساس و شور و شوق. باید توجه داشت که هرکس بنا به سن و سال خودش پانزده سالگی را در ذهنش مرور می‌کند. نوجوانان قبل انقلابیک جور، بچه‌های زمان جنگیک جور، دهه شصتی‌هایک جور و بچه‌های هفتادی یک جور. هر کدام از سن و سال‌های گفته‌شده، المان‌های مخصوص به خودش را دارد. مثلاً انقلابی‌ها عجین شدند با تظاهرات و اعلامیه و ساواک و بچه‌های جنگ گره خورده‌اند به صدای موشک و آژیر خطر و دهه شصتی‌ها با فضای سنگین اوایل انقلاب و ممنوعیت خیلی از چیزهایی که الان بسیار عادی به شما می‌روند مثل ویدئو؛ اما همه آن‌هایا بهتر بگویم همه ما در زمینه عشق و عاشقی در سن نوجوانی مشترکاتی داریم؛ ترس از خانواده و اهل محل، نوع آغاز ارتباط، محدودیت‌های قرارگذاشتن و امثالهم. امکان ندارد کسی در مورد عشق زمان نوجوانی‌اش برای دوستانش تعریف کند و به موارد بالا اشاره نکند. در واقع ما (راوی) حتی در تعریف قصه‌هایمان از عشق پانزده سالگی، سعی می‌کنیم برای کسی که گوش می‌کند (مخاطب) فضاسازی کنیم و آنجاست که یک‌هو از مخاطبمان می‌شنویم که «ای ول! من هم همین‌جوری بودم». فضاسازی که جای خالی‌اش در ترانه ایوبی بسیار به چشم می‌خورد.

صندوق پست، قاب عکس کهنه، هجوم خاطرات، کوچه، لحظه‌های انتظار، هیجان زندگی، دل‌دل عقربه‌ها، اولین قرار از جمله المان‌های این ترانه برای فضاسازی به شمار می‌روند، به‌علاوه کلمه پانزده سالگی. حالا شما کلمه پانزده سالگی را از متن ترانه حذف کنید و بگذارید بیست سالگی؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچی! به خاطر این که المان‌های یادشده در بالا، هیچ‌کدام اشاره مستقیمی‌به سن و سال خاصی ندارند. انگار ترانه‌سرا چشم‌هایش را روی آن‌همه اتفاق و جزییات که می‌توانستند به دراماتیک‌شدن فضا کمک کنند بسته و دوباره طبق عادت مألوف، یک رابطه عاشقانه را تصویر کرده و در نهایت خواسته با اضافه‌کردن کلمه پانزده سالگی به آن شخصیت ببخشد. اتفاقی که قطعاً نمی‌افتد. ساختار اثر کلیشه‌ای است.

ما در این متن با راوی مواجه هستیم که در قامت شخصی عاشق‌پیشه شروع می‌کند به تک‌گویی. از جان‌دادن به خاطر معشوق می‌گوید و اینکه اگر معشوق، لب تر می‌کرد حاضر بود هر کاری برای او بکند و حالا همه دار و ندارش یک قاب عکس کهنه و قدیمی است که گاهی باعث هجوم خاطرات می‌شود. (و چقدر این قاب عکس کهنه و ترکیب هجوم خاطرات، مستعمل و تکراری است!) و بعدش هم تنها راه نجات را در چشمان معشوق جستجو می‌کند! تازه در این راه دچار هیجان هم می‌شده. انگار کسانی که در سنین دیگر عاشق می‌شوند، هیجان‌زده نمی‌شوند.

ترانه از لحاظ ساختار بیرونی سالم است. غیر از یک ایراد قافیه در ترجیع‌بند اثر که اتفاقاً جزو معدود نقاط قوت اثر به حساب می‌آید. در نهایت نمی‌توان از ملودی و تنظیم زیبای

اثر به‌راحتی گذشت. دو عنصری که در کنار اجرای خوب رضایزدانی، مجموعه نهایی اثر را که همان موزیک «عشق پانزده سالگی» باشد، تبدیل به اثری قابل قبول کرده.

آخرین مسأله‌ای که باید به آن اشاره کنم، سانسور کلمه «عشق» از کاور موزیک است که توسط دوستان وزارت فرهنگ و ارشاد انجام گرفته.

معلوم نیست وزارت فرهنگ و ارشاد تا کی می‌خواهد با این کارهای کودکانه و گیردادن به مسائلی این‌چنینی، برای خودش هزینه بتراشد.

مطمئناً خط‌خطی‌کردن و سانسور کلمه عشق باعث نمی‌شود هیچ‌کسی خاطرات عاشقانه زمان نوجوانی‌اش را انکار کند.

افسردگی‌های طولانی آقای کمدین

نیل برنن، نویسنده و کمدین،یک استندآپی دارد که در آن از افسردگی ۱۷ ساله‌اش حرف می‌زند. یک جایی می‌گوید، افسردگییعنی هجوم تمام افکار منفی جهان به مغز شما؛یعنی تصور بدترین بدترین‌ها.

می‌گوید افسردگی انگار همیشه به تن‌تان یک جلیقه سنگین نجات بسته شده است. می‌گوید اینطور نیست که من اعتماد به نفسم کم باشد. من اصلا اعتماد به نفس ندارم.

رد می‌شود. این دوره هم رد می‌شود. مثل همه دوره‌های گذشته که رد شدند و من جان سالم به در بردم؛ اما وقتی آدم تویش هست، سنگین است.

همه جهان سنگین است. همه چیز دردناک است. همه تصورها و تصویرها منفی‌است.

شک، به خود آدم از همه بیشتر، نفس می‌برد.

می‌افتد روی دور خودآزاری و عزیزان آزارای. رد می‌شود؛ اما همیشه بخشی از جان آدم را هم همراه خودش می‌برد.

من نمی‌دانم افسردگی هیچ‌وقت درمان می‌شود یا نه؛ اما احتمالا بعد از یک جایی مدیریتش را آدم یاد می‌گیرد و اگر دفعه بعد یادش بماند، حواسش را جمع می‌کند که تصمیم بزرگ نگیرد، حرف بی‌جا نزند، بداند که فکرهای توی سرش سیاه‌اند نه واقعی و شاید هم مهمتر از همه اینکه یاد می‌گیرد به دوستان یا نزدیکانش بگوید و اگر کمک نمی‌خواهد–یا نمی‌تواند کسی کمکی کند– حداقل بدانند که حالش خوب نیست.

بحران پیش‌بینی نشده برای منصوریان؛

بازوبند کاپیتانی به چه کسی می‌رسد؟

پندار توفیقی مسئول نقل و انتقالات باشگاه استقلال در مصاحبه‌ای مدعی شده که پژمان منتظری برای اینکه حسن نیتش را ثابت کند با استقلال قراردادی دو ساله امضا کرده است.

به گزارش مستقل به نقل از پارسینه، پندار توفیقی مسئول نقل و انتقالات باشگاه استقلال در مصاحبه‌ای مدعی شده که پژمان منتظری برای اینکه حسن نیتش را ثابت کند با استقلال قراردادی دو ساله امضا کرده است.

البته که منتظری یکی از استقلالی‌های محبوب و متعصب به شمار می‌رود اما اینکه بازیکنی در سی و سه سالگی با باشگاه محبوبش قرارداد دو ساله ببندد می‌تواند به جز حسن نیت معانی دیگری هم داشته باشد؛ مثلا نزدیک شدن به سن بازنشستگی! دقیقا همان اتفاقی که برای بازیکنانی مثل خسرو حیدری و مهدی رحمتی افتاد.

این دو بازیکن هم در سال‌های گذشته به سختی راضی به تمدید قرارداد حتی یک ساله با استقلال می‌شدند اما فصل گذشته رحمتی با استقلال سه ساله بست و حیدری هم دو ساله تمدید کرد. البته این اتفاق مختص بازیکنان استقلال نیست و درباره بازیکنی مثل سیدجلال حسینی هم صدق می‌کند. ماجراهای تمدید قرارداد این بازیکن هم در سال‌های گذشته با پرسپولیس برای خودش تبدیل به سریالی دیدنی شده بود اما او هم لابد برای نشان دادن حسن نیت خود و در ۳۶ سالگی، پیش از پایان فصل قراردادش را با پرسپولیس برای دو فصل دیگر تمدید کرد!

پژمان منتظری به استقلال بازگشت و حالا این سوال پیش می‌آید که آیا او در فصل جدید بازوبند کاپیتانی استقلال را به بازو می‌بندد؟

منتظری قبل از ترک استقلال و در فصلی که رحمتی به استقلال بازگشته بود، داعیه بازوبند را داشت ولی در نهایت این بازوبند به مجتبی جباری سپرده شد تا پژمان هم نفس راحت‌تری بکشد.

حالا با بازگشت او دوباره این بحث‌ها مطرح خواهد شد. رحمتی از سال ۸۴ به استقلال ملحق شد اما پژمان سال ۸۶ به استقلالی‌ها پیوست.

منتظری ۷ فصل برای استقلال بازی کرده و رحمتی هم ۷ فصل. باید دید منصوریان دراین‌باره چه تصمیمی‌می‌گیرد.

البته خسرو حیدری هم جزو قدیمی‌های استقلال ولی فصل گذشته رحمتی بازوبند را بست و او کاپیتان دوم شد.

با توجه به اتفاقات فصل گذشته‌ای که منصوریان در قبال بازیکنان بزرگ این تیم اتخاذ کرد و نتوانست مدیریت درستی نسبت به رحمتی یا بختیار رحمانی داشته باشد بعید به نظر می‌رسد که بتواند حواش احتمالی را کنترل کند.

پژمان منتظری ثابت کرده بازیکنی است که حداقل از لحاظ احترام به مربی پا را فراتر نگذاشته اما عوامل اگر دست به دست هم دهند شاید آتش زیر خاکستر بتواند حریف بزرگی برای استقلال در لیگ هفدهم باشد!

جدال پولکی نمایندگان بر سر سپیدرود و ملوان!

سپیدرود و ملوان، دو تیم ریشه‌دار در فوتبال ایران، با قدمتی حدود ۵ دهه اما با بحران‌های اقتصادی و مدیریتی. فوتبال گیلان همیشه این بحران‌ها را پشت سر گذاشته، چه فرصت‌ها و چه استعدادهایی که سوخته‌اند؛ اما این فوتبال با همه بحران‌هایش همچنان زنده است، به لطف تعلق خاطر مردمان گیلان به فوتبال، به خصوص در رشت و انزلی. این روزها دو نماینده مجلس از رشت و بندرانزلی در نقش مدافع سپیدرود و ملوان بر سر به دست آوردن کمک‌های مالی برای سپیدرود و ملوان از سازمان منطقه آزاد بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند. منطقه آزاد در گیلان، هم در انزلی واقع شده و هم در رشت و حالا این جدل درگرفته که کمک منطقه آزاد به ملوان و سپیدرود باید برابر باشد. بی‌تردید آنچه نمایندگان مجلس را به این بحث‌ها وارد می‌کند، فرصتی‌ست که آن‌ها پیش روی خود می‌بینند، فرصتی برای محبوبیت بین تماشاگران سپیدرودیا ملوان.

ملوان از دیرباز به دلیل مدیریت نیروی دریایی –و در سالیان اخیر منطقه آزاد– فرصت‌های بزرگ‌تری برای رشد داشته، همیشه باشگاهی بازیکن‌ساز بوده و فوتبال ایران همیشه و هنوز از انزلی ستاره‌هایی چیده است، از غفور جهانی تا سعید عزت‌الهی، با دو نقش کلیدی از اولین صعود ایران به جام جهانی تا آخرین صعود. سپیدرود اما فرصتی برایش ساخته نشده، بحران‌هایش شدیدتر بوده، سال‌های سال فراموش شده و در لیگ دسته دوم روزگار گذرانده. در زیرساخت‌ها از ملوان فقیرتر بوده و حالا پس از چند دهه به لیگ برتر رسیده تا خود را و تماشاگرانش را به رخ فوتبال ایران بکشد. در فوتبال ایران درهای درآمدزایی به روی چنین تیم‌هایی بسته می‌شود، فوتبال توسط تیم‌های متمول‌گران و گران‌تر می‌شود تا اثری از آثار تیم‌های پرتماشاگر باقی نماند. تماشاگران سپیدرود و ملوان اما نباید گول سیاست‌ورزی‌ها را بخورند. مردم رشت و بندرانزلی با هم و کنار هم زندگی می‌کنند، با هم مراوده اجتماعی و اقتصادی دارند و فوتبال نباید خدشه‌ای به روابط اجتماعی وارد کند. فوتبال اگر به بهانه‌ای برای جدل تبدیل شود، تمام ارزش و اهمیت اجتماعی‌اش را از کف می‌دهد. سیاسیون حواس‌شان به این نکته‌ها نیست. ما که می‌خواهیم از فوتبال لذت ببریم باید حواس‌مان به این بازی‌ها باشد. سپیدرود و ملوان از میلیاردهایی که در فوتبال ایران هزینه می‌شوند، بهره چندانی نبرده‌اند و پس از این نیز بهره چندانی نخواهند برد. آخرش بودجه‌ای به اندازه «بخور و نمیر» به سپیدرود و ملوان می‌رسد و با تزریق همین بودجه‌ها، چهره‌هایی می‌خواهند نزد تماشاگران این دو تیم اعتبار به دست آورند. فوتبال اما

جای این حرف‌ها نیست. تماشاگران سپیدرود و ملوان را به خاطر چند صد میلیون بیشتر یا کمتر رو به روی هم نگذارید. تمامش کنید این بازی را. برای ملوان و سپیدرود فرصت سرمایه‌گذاری و رشد و تبدیل شدن به باشگاه را فراهم کنید، نه اینکه با هزار منت برای کمک به آن‌ها جدل رسانه‌ای راه بیندازید.

سرشکستگی وحشتناک برای یاران کریم!

یاران کریم انصاری فرد در تیم المپیاکوس که در اردوی اتریش به سر می‌برند، شب گذشته، لحظات و دقایق دلهره آوری را تجربه کردند.

تیم المپیاکوس که در غیاب کریم انصاری فرد از روز جمعه دو هفته گذشته (۸ روز قبل) اردوی آماده‌سازی پیش‌فصل خود را در اتریش برپا کرده است، شب گذشته (جمعه) در اولین دیدار تدارکاتی رو در روی تیم واتنس اتریش قرار گرفت و با نتیجه ۲ بر صفر پیروز شد، اما در دقایق پایانی این بازی اتفاقی رخ داد که تیم المپیاکوس را برای لحظاتی در شوک و دلهره فرو برد.

در دقیقه ۸۶ این دیدار تدارکاتی پاناگیوتیس رتسوس بازیکن المپیاکوس از ناحیه سر دچار مصدومیت و خون‌ریزی شد و برای دقایقی از هوش رفت. این صحنه به قدری برای بازیکنان المپیاکوس تل و دلهره‌آور بود که بعضی از آن‌ها حتی توان دیدن آن را نداشتند و اشک می‌ریختند. نکته ای که بازیکنان المپیاکوس به آن اشاره می‌کردند ضعف تدارکات برای این مسابقه بود که حتی آمبولانس هم تدارک دیده نشده بود. بالاخره پس از ۵ دقیقه آمبولانس رسید و رنسوس به بیمارستان منتقل شد. طبق اعلام نظر پزشکان این بازیکن شب را در بیمارستان بستری شد.

ژرژ مندس عامل فرار مالیاتی ستاره‌های فوتبال است؟

همیشه پاییک دلال در میان است!

خبرگزاری ال کونفیدنشال مدعی شد که اداره مالیات اسپانیا، بررسی فرار مالیاتی از سوی دیگو کاستا، فیلیپه لوئیس، خامس رودریگس و جکسون مارتینز را آغاز کرده است.

ایجنت هر ۴ بازیکن نام برده، ژرژ مندس است و اداره مالیات در حال بررسی این موضوع است که آیا این ۴ نفر نیز از روشی مثل روش رونالدو، مورینیو، فالکائو، کوئنترائو و کاروالیو استفاده کرده‌اند یا نه. در حقیقت اداره مالیات اسپانیا به این موضوع مشکوک است که تمامی بازیکنانی که با مندس قرارداد دارند، به روش مشابهی فرار مالیاتی انجام داده اند.

رونالدو، ستاره رئال مادرید با اتهام ۱۴,۸ میلیونیورو فرار مالیاتی از سوی این اداره روبرو است. ال کونفیدنشال معتقد است که تمامی‌این بازیکنان از شرکت‌های مشخصی استفاده کرده اند تا درآمدشان از حق پخش را دریافت کنند. اکثرا آن‌ها از شرکتی در بریتیش ویرجین آیلند بوده اند و همینطور کمپانی

ایرلندی MIM و پولاریس اسپورت. شرکت پولاریس اسپورت متعلق به برادر زاده مندس است و خودش مندس نیز ۳۰ درصد در آن سهم دارد. مشکل از آنجایی شروع شد که اداره مالیات اسپانیا از وجود این شرکت‌ها و ساز و کار آن‌ها مطلع شد.

دیگو کاستا نیز در کشوری دیگر شرکتی ایجاد کرد که حق پخش تصاویرش را به این شکل دریافت کند ولی وقتی این کار را کرد که به چلسی پیوسته بود. یک سخنگو شرکت جستیفیوت که متعلق به مندس است، معتقد است که چنین بازرسی‌هایی کاملا طبیعی است و بعید است که اداره مالیات اسپانیا بتواند اقدام قانونی علیه این بازیکنان انجام دهد.

شرکت کنالتون است لیمیتد که در بریتیش ویرجین آیلند قرار دارد، حق پخش تصاویر خامس رودریگس را سازمان دهی می‌کند. این کمپانی دریک ساختمان در رود تاون ثبت شده که شرکت حق پخش تصاویر رونالدو و مورینیو نیز در همان ساختمان ثبت شده ولی سخنگوی جستیفیوت معتقد است که شرکتی که حق پخش خامس را سازمان‌دهی می‌کرد، ساختار متفاوتی داشت.

خداحافظی مدافع مشهور رئال در سکوت و ناامیدی

آلوارو آربلوا مدافع سابق تیم‌های فوتبال رئال مادرید، لیورپول و تیم ملی اسپانیا برای همیشه از دنیای فوتبال خداحافظی کرد.

به گزارش مستقل، آلوارو آربلوا مدافع ۳۴ ساله و ملی‌پوش تیم فوتبال وستهام انگلستان بعد از پشت سر گذاشتنیک فصل ناموفق در این تیم تصمیم گرفت برای همیشه از دنیایی فوتبال خداحافظی کند.

وی سابقه حضور در تیم‌های رئال مادرید، لیورپول و دپورتیوو لاکرونیا را در کارنامه خود دارد و موفق به ثمر رساندن ۵ گل در تمام دوران ورزشی خود شده است.

آربلوا که فوتبال خود را از تیم‌های پایه رئال مادرید شروع کرد ۵۶ بازی ملی انجام داده است و موفق شده به همراه تیم ملی اسپانیا قهرمان جهان شود. آلوارو آربلوا بعد جدایی از جمع کهکشانی‌ها به لیگ جزیره و تیم وستهم بازگشت اما در این تیم موفق نبود و تنها ۳ بازی برای این تیم انجام داد و به این ترتیب برای همیشه از فوتبال خداحافظی کرد.

طنز

قهرمان در جوی خیابان!

نسیم عرب امیری

در توصیف آن پسر عباس قلی خان که حرمت و منزلتش رفت به باد و داخل جوی خیابان افتاد:

«داشت عبّاس قلی خان پسری»
پسر قرص و قوی و قدری
پسری هیکلی و ورزشکار
لوطی و غیرتی و مردم‌دار
قامتش قرص و صدایش بم بود
هیکلش گنده‌تر از رستم بود
کارش از بوق سحر نرمش بود
همه‌ی زندگی‌اش ورزش بود
روزهایکسره یا بازی داشت
یا که تمرین بدن‌سازی داشت
داشت از لطف دعای مادر
شهرت و منزلتی در کشور
چه در ایلام و چه اهواز و چه قم
محترم بود میان مردم
غافل از این که جهان بی‌صفت است
رذل و نالوطی و بی‌معرفت است
با زبان خوش و با مشت و لگد
هر که را خواست زمین می‌کوبد
نیستیک کاپ و مدال ورزش
باعث راحتی و آرامش
غالباً بعد فراغت سختی است
آخر هر خوشیی، بدبختی است
از قضا آن پسر ورزشکار
شد مریض و دمغ و حال ندار
بعد یک دوره مصدومیت
باخت در بازی و محرومیت،
طبق تجویز رفیقان دغل
پهن شد پای بساط منقل
دوستان نقش زمینش کردند
عاقبت خانه نشینش کردند
بعد شش ماه مداوم مصرف
رفت یکباره عنانش از کف
الغرض مصرف او از تریاک
شد مبدل به کوکا ئین و کراک
ظاهرش مضحک و بد منظر شد
صورتش زرد و تنش لاغر شد
مادرش شد تلف از غصه و درد
پدر از ارثیه محرومش کرد
حرمت و منزلتش رفت به باد
داخل جوی خیابان افتاد!

کوتاه ورزشی

سروش غیبی در گوش پرسپولیس!

سایت الرایه ورزشی در مورد این انتقال نوشت: سروش رفیعی بازیکن ایران در مذاکرات با الخور قطر به توافق نرسید و دوحه را به مقصد تهران ترک کرده است. در ادامه این گزارش آمده است: وی به دنبال عقد قراردادی بهتر در کشور قطر است و هنوز در مورد توافق با الخور تصمیم نهایی را نگرفته است. سروش رفیعی پس از تصویب تست پزشکی دوحه را به مقصد ایران ترک کرد. با وجود این اختلاف مالی بازگشت سروش رفیعی به پرسپولیس امکان پذیر است و باید دید پیشنهاد مالی جدید قطری‌ها چگونه می‌تواند سروش را مجاب کند تا دوباره به قطر برگردد.

منشا می‌آید...

گادوین منشا مهاجم نیجریه‌ای پرسپولیس که برای رسیدگی به امور شخصی و پرداختن به مسائل اقامتش در ایتالیا حضور داشت امشب (شنبه شب) به تهران خواهد آمد و به احتمال فراوان از روز یکشنبه در تمرینات پرسپولیس حاضر خواهد شد. البته قرار است همسر و فرزند این مهاجم نیجریه‌ای حدود ۲ ماه دیگر به تهران بیایند. همچنین از سوی باشگاه پرسپولیس برای منشا در منطقه سعادت آباد منزلی تهیه شده تا این بازیکن مشکلی برای اقامت در تهران نداشته باشد.

دروازه بانی با توپ تنیس

جلسه تمرینی تیم استقلال روز گذشته برگزار شد. در بخشی از تمرینات بازیکنان استقلال برای آماده سازی حضور در لیگ هفدهم، دروازه‌بان‌های این تیم به تمرین دروازه‌بانی با توپ تنیس پرداختند. این تمرین برای این طراحی شده بود که دروازه‌بان‌های استقلال سرعت عملشان بالا برود.

بهرنگ و رامین و استقلال...

مدیر نقل و انتقالات باشگاه استقلال می‌گویید هیچ ایده‌ای برای جذب رامین رضاییان ندارد. پندار توفیقی مدیر نقل و انتقالات باشگاه استقلال درباره شایعه پیوستن رامین رضاییان به استقلال گفت: در اینکه رضائیان بازیکن بزرگی است شکی وجود ندارد. اگر رضائیان به تیم‌های خارج از کشور برود باعث افتخار برای فوتبال ملی ماست اما اینکه قرار است ما این بازیکن را جذب کنیم سؤالی است که من روی آن ایده‌ای ندارم.

حذف از عکس!

علیرضا منصوریان در فصل نقل و انتقالات تصمیم جالبی گرفته است. او سال گذشته هر چقدر در عکس امضای قرارداد بازیکنان بود و حتی درباره‌شان مصاحبه می‌کرد، امسال تصمیم گرفته تا نه دیگر در عکس‌ها باشد و نه زیاد درباره تک تک بازیکنان مصاحبه کند. او خودش را به طور کامل از عکس‌ها حذف کرده است، در حالی که سال گذشته حتی در عکس امضای قرارداد میلاد زکی‌پور هم دیده می‌شد!